

تحلیل محتوای اقتصادنا؛ مبتنی بر تفکیک انواع نظریه‌های اقتصادی

محمدجواد قاسمی اصل اصطهبانانی / دانشجوی دکتری فلسفه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

ghasemi2561@anjomedu.ir

دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۹

چکیده

شهید صدر در جزء دوم کتاب «اقتصادنا»، به بحث درباره اقتصاد اسلامی می‌پردازد. محتوای این کتاب در سازمان امروزین دانش اقتصاد نیاز به تبیین دارد. این تحقیق با تقسیم گزاره‌های اقتصادی براساس انواع گزاره‌های علمی، محتوای کتاب «اقتصادنا» را کاوش و تحلیل می‌کند. یافته‌های تحقیق نشانگر این واقعیت است که اگرچه متن «اقتصادنا» بر محور تبیین اقتصاد مذهبی سامان یافته، درعین حال از تحلیل‌های اقتصادی مبنایی و علمی و ترسیم ارکان و مبانی اقتصاد سیاستی بهره‌مند است. فقدان تحلیل‌های سیاستی، ناشی از ماهیت مقطعی و زمانمند این تحلیل‌هاست که اجازه تجویز نسخه واحد را نمی‌دهد. با بهره‌گیری از تقسیم مباحث اقتصادی به واقعی-اعتباری، کلی-جزئی و غیرتجربی-تجربی، دریچه تازه‌ای برای تحلیل انواع نظریه‌های اقتصادی، از جمله در «اقتصادنا» باز می‌شود.

کلیدواژه‌ها: شهید صدر، اقتصادنا، تحلیل محتوا، نظریات اقتصادی، مذهب اقتصاد اسلامی، علم اقتصاد، اقتصاد سیاستی.

دانش اقتصاد اسلامی با نام شهید صدر و کتاب *اقتصادنا* گره خورده است. هر محققى در اقتصاد اسلامى ناچار است که به ایشان ادای احترام کند و در تحقیقات خود *اقتصادنا* را مدنظر قرار دهد؛ اما این خطر همواره وجود دارد که هاله‌ای از تقدس یا پذیرش برداشتی غالب، مانع از شناخت درست دیدگاه ایشان و محتوای این کتاب نفیس شود. اگرچه در اطراف کتاب *اقتصادنا* مباحث محتوایی و روشی فراوانی شکل گرفته است، اما هنوز پرسش‌های فراوانی وجود دارد؛ از جمله اینکه *اقتصادنا* حاوی چه مباحثی از اقتصاد اسلامی است؟

برای رفع این دغدغه، این پرسش مطرح می‌شود که چگونه می‌توانیم به قضاوت روشنی درباره محتوای یک کتاب همچون *اقتصادنا* برسیم؟ قضاوت درباره محتوای یک اثر علمی، شبیه قضاوت درباره یک واقعیت عینی، نیازمند ملاکی است تا بتوانیم بررسی کنیم که آیا آن اثر علمی واجد ملاک مزبور است یا نه؛ تا بتوانیم نقاط قوت و ضعف آن اثر را بشناسیم. این ملاک می‌تواند «نوع گزاره‌های مطرح در آن اثر» باشد. بحث درباره محتوای کتاب *اقتصادنا* بحثی دامنه‌دار و قدیمی است که به‌طور عمده حول محور جلد دوم *اقتصادنا*، یعنی مباحث اقتصاد اسلامی، شکل گرفته است. هدف این تحقیق، شناخت محتوای این کتاب است و بنا دارد به شناختی جامع از محتوای موجود در آن با محوریت دسته‌بندی گزاره‌های دانش اقتصاد دست یابد.

شهید صدر، با تفکیک بین مذهب اقتصادی و علم اقتصاد، گسترشی در ادبیات دانش اقتصاد ایجاد کرد؛ تفکیکی که منشأ شکل‌گیری نزاع‌هایی در میان اقتصاددانان مسلمان درباره ماهیت علمی یا مذهبی اقتصاد اسلامی شد؛ نزاعی که به‌نظر می‌رسد در بینش شهید صدر چندان موجه نباشد؛ زیرا غرض ایشان از ارائه این تفکیک، قضاوت درباره ماهیت و محتوای نظریات اقتصاد اسلامی نبود؛ بلکه صرفاً می‌خواست توضیح دهد که آنچه وی در *اقتصادنا* مطرح می‌کند، از سنخ نظریات مذهبی است نه علمی. ورود شهید صدر به مباحث محتوایی مانع از این شد که وی به طرح تفصیلی و مبسوط ویژگی‌های نظریه مذهبی بپردازد. جوانب مفهومی نظریه مذهبی به‌صورت اجمالی در اثبات کلام و قلم رسای ایشان قابل ردیابی و اصطلاح است.

از آنجاکه محوریت مباحث در *اقتصادنا* با نظریات مذهبی است، از استقرار موارد نظریه مذهبی در این تحقیق صرف‌نظر می‌شود؛ اما برخی ویژگی‌های کلی و دسته‌بندی‌های کلان درباره انواع نظریات مذهبی مطرح می‌گردد. درباره سایر نظریات اقتصاد اسلامی، شامل نظریات مبنایی، علمی و سیاستی، کاربردهای این نظریات جمع‌آوری شده است، هرچند ادعای استقرار تام نداریم.

۱. انواع نظریه اقتصادی

با کمک تعریف علم، دسته‌بندی موردنظر و مطلوب برای گزاره‌های دانش اقتصاد را مطرح می‌کنیم. علم در لغت به‌معنای مطلق آگاهی، مفهومی بدیهی است. مهم‌ترین معانی اصطلاحی علم از این قرار است:

الف) اعتقاد یقینی مطابق با واقع، هرچند در قضیه واحدی باشد؛

ب) مجموعه قضایای هم‌سنخ، هرچند قضایای شخصی و خاص باشند؛

ج) مجموعه قضایای کلی، هرچند اعتباری باشند؛

د) مجموعه قضایای کلی حقیقی هرچند غیرتجربی باشند؛

ه) مجموعه قضایای کلی حقیقی تجربی (مصباح، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۶۸).

به نظر می‌رسد که همه انواع تعاریف دو تا پنج در علم اقتصاد اسلامی مصداق دارد؛ زیرا:

اولاً گزاره‌های جزئی در دانش اقتصاد وجود دارد که یک موقعیت اقتصادی خاص را گزارش می‌دهد. توجه به یک موقعیت خاص، ممکن است به جهت نقش اساسی آن موقعیت در زندگی اقتصادی جامعه باشد. وجود قضایای کلی در دانش اقتصاد مورد تردید نیست. هدف عمده از طرح گزاره‌های جزئی این است که مشخص شود آن وضعیت خاص، مصداق کدام قاعده کلی اقتصادی است.

ثانیاً گزاره‌های دانش اقتصاد ممکن است اعتباری باشند؛ یعنی تابع اعتبارهای خاص بودن و در نظام ارزشی خاصی معنادار باشند و برای تأمین هدفی جزئی یا کلی جعل شده باشند. امور اعتباری از واقعیت‌هایی حکایت می‌کند و طبق تعریف سوم، مصداق علم است.

ثالثاً در دانش اقتصاد، گزاره‌های تجربی و غیرتجربی هر دو موجودند: ۱. برخی واقعیات اقتصادی مقدم بر تجربه‌اند و برخی مبتنی بر تجربه و رفتار بشری؛ ۲. برخی واقعیات اقتصادی نیز وجود دارند که باید روش‌های عقلی، شهودی یا نقلی به اثبات آنها پرداخت. در مقابل، برخی واقعیات اقتصادی وجود دارند که با روش تجربی قابل اثبات‌اند.

بنابراین، گزاره‌های دانش اقتصاد اسلامی مجموعه‌ای از قضایای جزئی و کلی، واقعی و اعتباری، و تجربی و غیرتجربی‌اند. از آنجا که قضایای تجربی با قضایای جزئی و قضایای غیرتجربی با قضایای کلی سنخیت دارند، تفکیک جزئی - کلی و تفکیک تجربی - غیرتجربی را در هم ادغام می‌کنیم. بنابراین، در این تحقیق، با کمک گرفتن از این سه تفکیک، گزاره‌های دانش اقتصاد اسلامی را در چهار بخش مطرح می‌کنیم: ۱. واقعیات کلی (غیرتجربی)؛ ۲. واقعیات جزئی (تجربی)؛ ۳. اعتباریات کلی (غیرتجربی)؛ ۴. اعتباریات جزئی (تجربی).

نحوه ارتباط و ترتیب منطقی بین این چهار دسته گزاره علم اقتصاد اسلامی حائز اهمیت است: ۱. واقعیات کلی (غیرتجربی)؛ ۲. اعتباریات کلی (غیرتجربی)؛ ۳. واقعیات جزئی (تجربی)؛ ۴. اعتباریات جزئی (تجربی). بخش کلی و غیرتجربی علم اقتصاد اسلامی ثابت بوده و اعتباریات ناشی از واقعیات است؛ اما بخش جزئی و تجربی علم اقتصاد اسلامی پویا و متناوب است؛ یعنی هر واقعیت مربوط به وضعیت خاصی، به دنبال خود اعتباریات ناظر به آن وضعیت را می‌طلبد و مجدداً اعتبار جزئی اخیر منجر به واقعیت جزئی جدیدی می‌شود و این چرخه مستمراً ادامه دارد. البته جزئی بودن این بخش، نسبی و در مقایسه با بخش کلی علم اقتصاد است.

به بیان دیگر، گزاره‌ها و نظریات اقتصادی به دو دسته کلی واقعی (واقعیات موجود) و اعتباری (واقعیات مطلوب) تقسیم می‌شود. تعبیر به اعتباری در مقابل واقعی، به معنای غیر واقعی بودن امور اعتباری نیست؛ بلکه حاوی این مضمون است که امور اعتباری در واقعیت عینی محقق نشده‌اند؛ اما از آنجاکه شایسته است محقق شوند، از طرف شریعت و نظام اسلامی با هدف محو واقعیت فاسد موجود و تحقق واقعیت مطلوب مفقود، دستورات و تدابیری اتخاذ شده است.

بنابراین مقصود از واقعی، هر حقیقت موجود در خارج است که در قالب یک گزاره خبری قابل طرح کردن است. این گزاره خبری، دو صورت دارد:

الف) حکایت از یک واقعیت باثبات، ضروری و دائمی دارد که حتی قبل از تحقق جامعه‌ای خاص نیز صادق است و به‌طور کلی فارغ از تجربه و عملی شدن در خارج، صادق است. از آنجاکه در اندیشه اسلامی منابع معرفت متکثر است و وحی و عقل و تجربه و علم حضوری همه واجد اعتبارند (ر.ک: حسین زاده، ۱۳۹۴)، این واقعیت و اخبار ممکن است از هر منبع معتبری به دست آمده و لزوماً از طریق تجربه حسی حاصل نشده باشد. طبیعتاً شناخت چنین حقیقتی منوط به تجربه نیست و به همین سبب از آن به علم غیر تجربی نیز می‌توان تعبیر کرد.

ب) گزاره خبری که از یک واقعیت موجود حکایت می‌کند، از یک واقعیت خاص و مربوط به مقطع مکانی و زمانی ویژه‌ای حکایت دارد و قاعده‌تاً ممکن است نسبت به موقعیت مکانی یا زمانی دیگری صادق نباشد. چنین گزاره‌ای بی‌ثبات است و طبیعتاً راه شناخت آن منوط به تجربه است و به همین مناسبت می‌توان از آن به علم تجربی تعبیر کرد. علم تجربی تابع هنجارهای حاکم بر رفتارها و نهادهای اقتصادی، سیاست‌های اقتصادی گذشته، سازمان وجودی انسان، جامعه و طبیعت، و واقعیات جهان شمول حاکم بر زندگی اجتماعی است.

مقصود از اعتباری یا ارزشی، هر حقیقت مطلوب یا مذمومی است که تحقق یا عدم تحقق آن در عالم خارج، برای یک نظام فکری مطلوب است و در قالب یک گزاره انشائی قابل بیان است. این گزاره انشائی نیز دو صورت دارد:

الف) گاه حکایت از هدف یا چارچوب مطلوبی دارد که فرازمانی و فرامکانی است؛ کلی، باثبات، دائمی و در همه شرایط صادق است؛ شبیه تعاریف و نکات کلی‌ای که استاد پزشکی در درس پزشکی برای مواجهه با بیماران و محیط‌زیست به دانشجویان پزشکی ارائه می‌دهد و تطبیق آن با شرایط گوناگون، اقتضائات گوناگون دارد. از این سنخ گزاره‌ها و نظریات در دانش اقتصاد، به «مذهب اقتصادی» تعبیر می‌کنیم (ر.ک: قاسمی اصل، ۱۳۹۶، ص ۱۰۴-۱۰۵).

ب) گزاره انشائی حکایت از یک هدف، راهکار و سازوکار مطلوب دارد که مقطعی و مربوط به شرایط مکانی و زمانی ویژه است و نمی‌توان آن را برای هر شرایطی به صورت مطلق تجویز کرد؛ شبیه نسخه‌ای که پزشک برای یک بیمار خاص می‌پیچد. از این سنخ گزاره‌ها در دانش اقتصاد، به اقتصاد سیاستی تعبیر می‌کنیم. سیاست‌های اقتصادی، از یک سو تابع وضع موجود اقتصادی در هر برهه زمانی و مکانی (علم تجربی)‌اند و از دیگر سو تابع ارزش‌های اعتبارات کلی و راهبردی یک منظومه فکری در حوزه امور اقتصادی (مذهب اقتصادی)‌اند (ر.ک: قاسمی اصل، ۱۳۹۸).

شبيه به تفكيك چهارگانهٔ اين تحقيق (۲*۲)، تفكيك سه‌گانه‌اي در دانش اقتصاد سابقه دارد كه دانش اقتصاد را به سه بخش هنجاري، اثباتي، و سياسي تقسيم مي‌كند (بلاگ، ۱۳۸۷، ص ۱۸۱).

۲. واقعيات كلي غير تجربی (مبانی)

واقعيّت موجود، حكايت از يك واقعيّت باثبات، ضروري و دائمي دارد كه حتي قبل از تحقق جامعه‌اي خاص نيز صادق است و به‌طور كلي فارغ از تجربه و عملي شدن در خارج، صادق است. از آنجا كه در اندیشهٔ اسلامي منابع معرفت متكثر است و وحی و عقل و تجربه و علم حضوري همه واجد اعتبارند (ر.ك: حسين زاده، ۱۳۹۴)، اين واقعيّت و اخبار ممكن است از هر منبع معتبري به‌دست آمده و لزوماً از طريق تجربهٔ حسي حاصل نشده باشد. طبيعتاً شناخت چنين حقيقتي منوط به تجربه نيست و به همين سبب از آن به علم غيرتجربي نيز مي‌توان تعبير كرد.

مقصود از واقعيّت كلي غيرتجربي «مباني» است كه در تحليل‌هاي اقتصادي مذهبي و علمي - تجربي نقش آفريني مي‌كند. شهيد صدر در *اقتصادنا* از اين سنخ مباحث براي تبين و به‌مثابهٔ دليل براي قضايای مذهبي استفاده مي‌كند؛ هرچند اين اصطلاح و تعبير را به كار نمي‌برد.

در ادامه، هشت مورد از استفاده‌هاي شهيد صدر از مباني يا علم غيرتجربي مطرح مي‌شود.

۲-۱. دو دسته قضايای علمي

شهيد صدر قضايای علمي اقتصاد را به دو بخش تقسيم مي‌كند: ۱. قضايای علمي مذهبي (اجتماعي)؛ يعني قضايای اقتصادي كه علمي‌اند و مورد تحليل علمي قرار مي‌گيرند؛ اما در محيطي كه جامعه براساس گرايش‌هاي يك مذهب رفتار مي‌كند و آن رفتار براساس هدف، ابزار و روش مورد توصيهٔ آن مذهب قابل توضيح است؛ مثل قانون عرضه و تقاضا؛ ۲. قضايای علمي محض (طبيعي)؛ آن قضايای اقتصادي كه تحليل علمي مي‌شوند و مبتني بر هيچ نوع گرايش مذهبي نيستند و طبعاً هيچ‌گونه وابستگي به گرايش و رفتار اختياري انسان ندارند؛ مثل قانون بازده نزولي. اين قضايای شامل هر قانون تكويني مي‌شوند كه مي‌توانند بر هنجارها و رفتارهاي اقتصادي تأثير بگذارند (صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۵۱-۲۵۲).

۲-۲. واقعي و اخلاقي بودن اقتصاد اسلامي

شهيد صدر براي مذهب اقتصادي اسلامي دو ويژگي توأمان واقعي بودن و اخلاقي بودن را برمي‌شمارد. اين دو ويژگي، مبتني بر واقع‌گرايي اسلام در زمينهٔ شناخت انسان و شيوه‌هاي تحقق اهدافش هستند. مذهب اقتصادي اسلام اهداف واقعي دارد؛ زيرا در نظام‌ها و قوانين خود به دنبال اهدافي است كه با واقعيّت انسانيّت و طبيعت انساني، انگيزه‌ها، و خصايب عمومي آن هماهنگ است و دائماً در نظر دارد كه در قوانين خود در خلاً سير نكند و كمتر يا بيشتر از ظرفيت و امكانات انسان قانوني قرار ندهد.

اخلاقی بودن اقتصاد اسلامی؛ یعنی اسلام در مسیر تحقق اهداف خود بر مؤلفه انسان مختار با لحاظ تربیت‌پذیری و تحول‌پذیری اختیاری وی تکیه می‌کند. همچنین اخلاقی بودن اقتصاد اسلامی در روش دستیابی به اهداف نیز متبلور است و این‌گونه نیست که صرفاً تحقق وضعیت مطلوب مادی، صرف‌نظر از اراده و خواست عوامل اقتصادی مدنظر باشد؛ مثلاً در بحث تکافل اجتماعی به این اکتفا نمی‌کند که مالی از اغنیا به هر نحوی به فقرا منتقل شود؛ بلکه با ایجاد برخی عبادات مالی به‌دنبال تقویت روحیات همسو با تکافل در اشخاص است (صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۸۸-۲۹۰).

۲-۳. عقیده، مفاهیم و عواطف اسلامی

شهید صدر برای تحقق زمینه شکل‌گیری رفتار اقتصادی در جامعه اسلامی، تحقق سه رکن عقیده، مفهوم، و عواطف اسلامی را لازم می‌داند و معتقد است که تا در زمین اندیشه مسلمین عقاید اسلامی رشد نیابد و به باروری نرسد، تا مفاهیم و زاویه‌های دید و دیدگاه‌های اساسی درباره امور اجتماعی، تکوینی، و تشریحی شکل متناسب با ریشه‌های اعتقادی را نگیرد و تا متناسب با این دو، عواطفی شکل نگیرد که محرک انسان به سمت عمل است، از اقتصاد اسلامی به‌عنوان یک علم تجربی خبری نخواهد بود (صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۹۲).

این ترسیم فضای سه‌مرحله‌ای، اولاً در یک قاعده عمومی از نوع تحلیل نهادی درباره شکل‌گیری رفتارهای اقتصادی ریشه دارد؛ ثانیاً بعد از تحقق این مراحل است که واقعیات ناشی از هنجارها شکل خواهد گرفت. این تحلیل، یک تحلیل روندی پیشینی است که ظرفیت تطبیق در همه فضاهای اجتماعی اسلامی و غیراسلامی را دارد.

۲-۴. اقتصاد اسلامی، جزئی از کل!

شناخت و عملیاتی شدن اقتصاد اسلامی، به‌عنوان بخشی از نظام و مجموعه بزرگ اندیشه و عمل اسلامی، ممکن است. وی به مواردی از ارتباط اقتصاد اسلامی با عقاید، مفاهیم، عواطف، فقه، و نظام سیاسی اشاره می‌کند (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۹۳-۳۰۱). این رویکرد به اقتصاد اسلامی، مرتبط با یک نزاع روش‌شناختی در دانش است. آیا برای رشد دانش، شیوه فرضی - انتزاعی کارآمد است یا باید به مجموعه علوم به‌عنوان یک منظومه و شبکه مترابط نگاه کرد؟ به‌نظر شهید صدر، نمی‌توان اقتصاد اسلامی را به‌صورت تافته جدابافته بررسی کرد و از چنین شیوه‌ای انتظار رسیدن به نتایج کارآمد و واقعی نایجاست.

۲-۵. مشکل اقتصادی از دیدگاه اسلام

شهید صدر، به مقایسه قضاوت مکاتب اشتراکی، سرمایه‌داری و اسلام درباره مشکل اقتصادی و راه‌حل آن می‌پردازد (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۳۱). به‌تعبیر شهید صدر، همه مذاهب در وجود مشکل اقتصادی اتفاق نظر دارند و اختلافشان در مصداق مشکل است. اسلام مشکل را در «ظلوم و کفار بودن انسان» می‌بیند و راه‌حل را در دین جست‌وجو می‌کند؛ زیرا دین است که می‌تواند باعث ایجاد و تحریک انگیزه در انسان به‌سمت دستیابی به

شناختن‌هایش در مسیر درست و عادلانه شود. در حوزه اقتصاد، ظلم انسان در سوء توزیع نعمت‌ها و کفران نعمت به واسطهٔ مهمل گذاشتن طبیعت از بهره‌برداری شایسته، نمود می‌یابد (همان، ص ۳۳۲ و ۳۳۹).

۲-۶. مفاهیم

شهید صدر برای دستیابی به مذهب اقتصادی اسلام (اقتصاد هنجاری اسلام)، در کنار احکام شرعی به مضمونی به نام مفاهیم تکیه می‌کند. مفاهیم جزء مهمی از اندیشه و فرهنگ اسلامی را نشان می‌دهند و منظور از آن هر دیدگاه اسلامی است که یک واقعیت وجودی یا اجتماعی یا قانونی را تبیین و تفسیر می‌کند. مانند اعتقاد به نسبت ربط و تعلق همهٔ عالم وجود به خدا که نگاه اسلام به هستی را نشان می‌دهد (و دارای لوازم و اقتضائات رفتاری ویژه‌ای است)؛ یا نگاه اسلامی به تحولات جوامع انسانی یا سنت‌های الهی در جوامع انسانی، از جمله در جنبه‌های اقتصادی، یا نگاه اسلام به مالکیت که ناشی از اعتقاد به توحید است، و سایر مفاهیم متعدد و متنوعی که هر یک دیدگاه اسلام دربارهٔ انسان، و از جمله زندگی اقتصادی را توضیح می‌دهد. قوانین و هنجارهای اقتصادی اسلام، مبتنی بر این مفاهیم شکل می‌گیرند (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۷۶-۳۷۹).

۲-۷. مبانی نظریهٔ توزیع قبل از تولید

در مرحلهٔ قبل از تولید، ثروت‌های اولیه مدنظر است؛ ثروت‌هایی که کار مفید انسانی در آنها انجام نشده است و عامل انسانی در مرغوبیت آنها دخالت ندارد. در نظریهٔ توزیع قبل از تولید، برخی مباحث علمی غیرتجربی مطرح می‌شود: الف) انواع زمین، از جهت نوع ملکیت، تابع برخی ویژگی‌های انسانی و اقتصادی آن نوع زمین است که ناشی از توجه شریعت و هنجار اسلامی به زمینه‌های اقتصادی در ترسیم قواعد خود است. شریعت بین زمین آباد و موات و در مورد زمین آباد، بین آباد طبیعی و آباد انسانی در زمان فتح، برای نوع ملکیت تفکیک قائل شده است؛ چنان‌که به فتح با صلح یا فتح با جنگ (عنوه) موضوعیت داده است. آباد و موات بودن زمین، عنایت به زمینهٔ اقتصادی، فتح صلحی یا فتح ناشی از جنگ، عنایت به ارادهٔ انسانی و جنبهٔ سیاسی، و تمایز بین آباد انسانی و آباد طبیعی، حکایت از عطف توجه شریعت به هر دو جنبهٔ ارادی و اقتصادی دارد.

ب) تعریف مقبول شریعت از معدن، و تفکیک بین معدن ظاهر و باطن و تفکیک بین معدن خالص و ناخالص. ج) تفکیک بین اموال منقول و غیرمنقول در نحوهٔ تحقق ملکیت. تأثیر احیا در تملیک و تأثیر تجحیر در اولویت نسبت به زمین و عدم اعتبار حیازت نسبت به زمین (لغو حیمی) و در مقابل، پذیرش تأثیر حیازت در ملکیت ثروت‌های منقول.

د) تفکیک بین انواع آب‌هایی که بدون زحمت به دست می‌آیند یا با مرارت و کار قابل استفاده می‌شود، در امکان اولویت و ملکیت.

هـ. شهید صدر ضمن بحث دربارهٔ نقش ویژهٔ کار در ایجاد مالکیت از دیدگاه اسلام، بین دو نوع کار تفکیک می‌کند: ۱. کاری که ایجاد منفعت و باروری می‌کند و از سنخ انتفاع و استثمار است که این موجد ملکیت و اولویت

است؛ مثل تحجیر و احیا در زمین و حیات در ثروت‌های اولیه منقول؛ ۲. کاری که فاقد حیثیت باروری و استثمار بوده و صرفاً حبس کردن و سیطره بر مال است که این سنخ کارها از دید اسلام موجب اولویت و ملکیت نمی‌شود؛ مثل حیات زمین که با اصطلاح «حیمی» شناخته می‌شد و اسلام آن را لغو کرد. کارهای قسم اول، اقتصادی و مبتنی بر فطرت است. رفتارهایی چون حیات زمین فاقد صفت اقتصادی است؛ اما حیات منقولات، طبیعت اقتصادی دارد (صدر، ۱۳۸۲، ص ۵۱۰).

۲-۸. مبانی نظریه توزیع بعد از تولید

برای تأثیرگذاری مبانی در نظریه توزیع بعد از تولید، دو نمونه مطرح می‌شود:

نمونه اول: در بین فقها اختلافی وجود دارد با این مضمون که اگر شخصی مواد اولیه‌ای را غصب کند و از آن محصول تولید نماید، آیا این محصول متعلق به صاحب مواد اولیه است یا متعلق به غاصب است؟ منشأ اختلاف از اینجاست که آیا در روند تولید، ماده اولیه مضمحل و نابود می‌شود یا اینکه ماده اولیه متبدل و متکامل می‌شود؟ اگر ماده اولیه زایل شود، پس محصول متعلق به غاصب است و البته او قیمت ماده اولیه را باید به مالک بدهد. اگر ماده اولیه در شکلی کامل‌تر و رشد یافته در قالب محصول متبلور باشد، پس محصول متعلق به مالک ماده اولیه است و غاصب نصیبی ندارد (صدر، ۱۳۸۲، ص ۵۷۱). یک واقعیت طبیعی، منشأ اختلاف فتوا شده است.

نمونه دوم: در فقه اسلامی بین تضمین اصل و منفعت پول، امکان جمع وجود ندارد؛ یعنی یا باید اصل تضمین شود که این همان عقد قرض است یا منفعت (به شرط تحقق) تضمین شود که این همان عقد مضاربه است. مفهوم این قضیه، تقسیم و تنظیم مخاطره است. مخاطره از دیدگاه اسلام، اگر همراه با انتاج باشد (هرچند انتاج مبادله‌ای)، مقبول است؛ اما کسب درآمد با صرف مخاطره و بدون هیچ صیغه تولیدی، چنان که در قمار رخ می‌دهد، ممنوع است.

۳. اعتباریات کلی غیر تجربی (مذهب)

به تصریح شهید صدر (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۱۱) و به شهادت محتوای *اقتصادنا*، محور مباحث این کتاب «مذهب اقتصادی» است. بیشتر متن این کتاب به نقد نظریات مذهبی رقیب و تبیین نظریات اقتصاد مذهبی اسلام اختصاص یافته است.

تعریف شهید صدر از مذهب اقتصادی چنین است: «مجموعه نظریات اساسی، که یک جامعه در زندگی برای حل مشکلات اقتصادی خود، تبعیت از آنها را می‌پذیرد» (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۶۵). در این تعریف، جامعه ظرف پذیرش مذهب بوده و حل مشکلات اقتصادی، فلسفه وجود مذهب است. پس تعریف برگزیده از مذهب اقتصادی چنین می‌شود: «مجموعه نظریات اساسی برای حل مشکلات اقتصادی زندگی بشر». با عنایت به تعریف فوق، مذهب اقتصادی اسلام به معنای «مجموعه نظریات اساسی است که اسلام برای حل مشکلات اقتصادی زندگی بشر ارائه می‌دهد». وی در تعریف علم اقتصاد می‌گوید: «علمی که زندگی و رخدادهای اقتصادی و رابطه بین این

رخدادها و عوامل پیدایش آن را بررسی می‌کند». همچنین ایشان در فصل عملیات اکتشاف مذهب اقتصادی، در مقام مقایسه بین علم اقتصاد و مذهب اقتصادی می‌گوید: «مذهب برنامه و روش، و علم تبیین و تفسیر است».

۱-۳. ویژگی‌های نظریه مذهبی در اقتصاد اسلامی

نظریه‌ها در اقتصاد مذهبی دارای شش ویژگی مشترک است. با شناخت این ویژگی‌ها، حقیقت اقتصاد مذهبی و نسبت آن با اقتصاد علمی و سیاستی نیز روشن‌تر می‌شود.

الف) وابسته به نظام فکری مستقل و جامع اسلام است که در حوزه‌های مختلف معرفتی، فلسفی و اجتماعی دارای دیدگاهی ویژه است. وابستگی به نظام فکری، ویژگی مشترک اقتصاد مذهبی و سیاستی است. اقتصاد مذهبی مستقیماً از نظام فکری ارتزاق می‌کند؛ اما اقتصاد سیاستی با واسطه اقتصاد مذهبی از نظام فکری متأثر می‌شود.

ب) حاوی دیدگاهی اقتصادی است. این ویژگی، نظریه‌های اقتصاد مذهبی را از نظریه‌های مذهبی غیراقتصادی متمایز می‌کند. اقتصاد مذهبی با اقتصاد علمی و سیاستی در این ویژگی اشتراک دارد.

ج) به صورت مستقیم، حاوی دیدگاه ارزشی و مدح و ذمّ شریعت است. این ویژگی، نظریه مذهبی را از نظریات اقتصاد علمی جدا می‌کند؛ زیرا چنان که در مقدمه مطرح شد، نظریه علمی از واقعیت موجود و نظریه مذهبی از واقعیت حکایت می‌کند. در واقع، ارزش‌ها پیش فرض رسیدن به گزاره‌های اقتصاد علمی‌اند؛ اما در گزاره‌های اقتصاد مذهبی، ارزش‌ها موضوع تحقیق‌اند.

د) ثبات دارد و مقطعی نیست؛ زیرا ناشی از ویژگی‌های ثابت حیات انسان و از سنخ احکام ثابت شریعت است. برخلاف اقتصاد مذهبی، اقتصاد سیاستی به دنبال اهدافی مقطعی، از ابزارهایی خاص و زمانمند استفاده می‌کند و راه کارهایی را مورد استفاده قرار می‌دهد.

هـ.) در حوزه معین، کلیت و شمول دارد. اقتصاد مذهبی کلی است؛ درحالی‌که گزاره‌های اقتصاد سیاستی جزئی‌اند و مصادیقی برای عناوین کلی گزاره‌های مذهبی‌اند. این جزئیت ناشی از تلبس به لباس عینیت زمان و مکان است. هیچ نظریه مذهبی در خارج محقق نمی‌شود، مگر در قالب یک سیاست.

و) زمینه‌ای و نهادساز است. رفتارهای انسان مشروط و مقید به مجموعه‌ای از التزام‌هاست که افراد جامعه از یک مرجع جهت‌دهنده و انگیزه‌ساز گرفته‌اند. نظریه مذهبی منوط به تحقق رفتار مردم نیست. رفتار مردم هرچه باشد، نظریات مذهبی ثابت‌اند. در مقابل، گزاره‌های اقتصاد سیاستی ناشی از عکس‌العمل دستگاه سیاست‌گذار در مقابل رفتار مردم‌اند و از نوع نتیجه رفتارند (ر.ک: قاسمی اصل، ۱۳۹۶).

۲-۳. انواع نظریه مذهبی از جهت محتوا

طبق تحلیل این تحقیق که می‌توان برای آن شواهدی در کلام شهید صدر اصطیاد کرد، نظریات مذهبی در اقتصاد سه نوع است: ۱. چارچوب‌ها؛ ۲. راهبردها یا خطوط مرزی منتهی به اهداف کلان و منجر به طراحی

چارچوب‌های گوناگون؛ ۳. اهداف اصلی و کلان که لازم است همهٔ راهبردها، چارچوب‌ها (و سیاست‌ها) در راستای آن شکل بگیرد. این عبارت شهید صدر تا حدودی مضمون این سه نوع نظریهٔ مذهبی را می‌رساند: «یقتصر المذهب علی وضع الأهداف الرئيسية للسياسة الاقتصادية وحدودها العامة، وإطارها المذهبي الشامل...»؛ مذهب باید به تبیین [۱]. اهداف اصلی و کلان سیاست اقتصادی، [۲]. حدود کلی و [۳] چارچوب‌های مذهبی بپردازد (صدر، ۱۳۸۲، ص ۶۳۱-۶۳۲).

طبق تعریف، نظریات اقتصاد مذهبی اسلامی در سه سطح و با سه کاربرد متفاوت و هم‌افزا شکل می‌گیرند. این سه نوع نظریه، در طول یکدیگر اهداف در مرکز این نظریات، هستهٔ سخت اندیشهٔ اقتصادی اسلام است و برای اسلام موضوعیت و اصالت تام دارد. راهبردها ناشی از هدف‌گذاری اقتصادی اسلام‌اند. راهبرد در نظریات مذهبی، برزخ بین هدف نهایی و چارچوب‌های ثابت شریعت است. راهبردها خطوط مرزی را تعیین می‌کنند تا چارچوب‌های ثابت و کلان، متناسب با اهداف شکل گیرند. چارچوب‌ها ناشی از هدف‌گذاری و راهبردهای اقتصادی اسلام‌اند. ساختارها و راهبردها، نسبت به اهداف، طریقت دارند.

تفکیک سه‌گانهٔ نظریات مذهبی، مبتنی بر این حقیقت است که ارادهٔ الهی و هدف نهایی خداوند از تشریح‌های خود در عرصهٔ اقتصادی، به اهداف تعلق گرفته است. ارادهٔ مقدمی شریعت بر شکل‌گیری مجموعه‌ای از چارچوب‌های باثبات در نظام اقتصادی جامعهٔ اسلامی است. همچنین شارع مقدس برخی اهداف میانی یا راهبردها را تعریف می‌کند که منجر به شکل‌گیری چارچوب‌ها براساس اهداف نهایی می‌شود. از اهداف به سمت چارچوب‌ها نوعی گسترش از وحدت به کثرت برقرار است. هدف نهایی، واحد است (مثلاً عدالت)؛ اما چارچوب‌های متنوعی شامل تولید، توزیع، مصرف، دولت، بازار، پول، عقود و... ذیل این هدف واحد و راهبردهای منشعب از آن شکل می‌گیرد.

اهداف، چرایی احکام شرعی را نشان می‌دهند؛ اما ساختارها چگونگی، شبکه و الگوی حاکم بر احکام شرعی را نمایش می‌دهند. این تفاوت، در عملکرد شهید صدر در *اقتصادنا* نیز مشهود است.

چارچوب، شکل و چارچوب حاکم بر احکام شرعی مربوط به هر حوزهٔ اقتصادی را تبیین می‌کند؛ اهداف را تعیین و تجسد می‌بخشد و زمینه را برای عملی شدن آنها فراهم می‌کند (صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۸۶). چارچوب‌ها برای فعالیت انسان، محیط، شکل و قالب ایجاد می‌کنند و دامنهٔ مجاز حرکت را تعیین می‌نمایند. در علم اقتصاد، سازوکارهای تحقق این چارچوب‌ها تبیین می‌گردد و دربارهٔ عملکرد آیندهٔ آن پیش‌بینی می‌شود. ترسیم سازوکارهای موردنیاز برای تحقق هر چارچوب، وظیفهٔ سیاست اقتصادی است.

راهبرد، جهت‌گیری و ذهنیت کلی است که یک مذهب اقتصادی برای رسیدن به اهداف خود دنبال کرده و تصمیماتش را براساس آن اتخاذ می‌کند. راهبرد این کارکرد را دارد که چارچوب‌ها را در راستای تحقق اهداف شکل می‌دهد یا اهداف را از سطح ذهنی و انتزاعی به عینیت خارجی در قالب چارچوب‌ها نزدیک می‌کند. شهید

صدر، وجود آزادی در محدوده معین و مالکیت مزدوج را از اصول مذهب اقتصادی اسلام می‌شمارد (صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۸۱ و ۲۸۴). این دو اصل را می‌توان از راهبردهای اقتصادی اسلام برشمرد که اولاً متأثر از عدالت اجتماعی به‌عنوان هدف نهایی اقتصاد اسلامی و مؤثر در تحقق آن است (ر.ک: صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۸۴-۲۸۵)؛ ثانیاً خطوط مرزی را تعیین می‌کند که چارچوب‌های اقتصادی در ضمن آنها شکل می‌گیرد. ارائه راهکار، در جهت تحقق بخشیدن به دو راهبرد محدودیت آزادی و تنوع مالکیت در مقاطع گوناگون، بر عهده دستگاه سیاست‌گذار است که مجری اقتصاد سیاستی است.

برخی از نظریه‌های اقتصاد مذهبی، اهداف غیرقابل تغییر اقتصاد اسلامی است که اسلام همه تلاش‌هایش را در راستای تحقق آن به‌کار می‌گیرد. برای مثال، شهید صدر عدالت اجتماعی را سومین اصل مکتب اقتصادی اسلام برمی‌شمارد (صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۸۸) که از سنخ هدف‌گذاری کلی است. این اصل برخلاف دو اصل آزادی محدود و تنوع مالکیت، ناظر به اهداف است، نه راهبردها؛ زیرا فرض بر این است که آنچه اصالتاً و نهایتاً اسلام به دنبال تحقق آن است، عدالت است و اموری چون آزادی یا عدم آزادی و مالکیت یا عدم مالکیت در نظر اسلام ابزارهایی هستند و تا وقتی مطلوبیت دارند که جهت‌دهنده ساختارهای اقتصادی به‌سمت تحقق عدالت باشند. از همین رو، شهید صدر قضاوت درباره عدالت را به‌عنوان شاخص مذهبی بودن هر نظریه معرفی می‌کند (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۶۲).

اهداف، راهبردها، چارچوب‌ها و سیاست‌ها، طیفی از مفاهیم، از ذهنی و انتزاعی محض گرفته تا عینی و خارجی را شکل می‌دهند: اهداف، علت غایی و منشأ مطلوبیت راهبردها، چارچوب‌ها و سیاست‌هایند و سیاست‌ها منشأ تحقق چارچوب‌ها، راهبردها و اهداف‌اند (ر.ک: قاسمی اصل، ۱۳۹۶).

۳-۳. انواع نظریه مذهبی از جهت روشن‌شناخت

شهید صدر معتقد است که نظریات مذهبی اقتصاد اسلامی از آرمان‌ها و نظام ارزشی اسلام ناشی می‌شود (صدر، ۱۴۱۰ق، ج ۱۳، ص ۱۱۷). وی پنج ابزار برای تحصیل نظریات مذهبی در اقتصاد اسلامی معرفی می‌کند (ر.ک: صدر، ۱۴۲۴ق، ص ۴۵-۵۶):

- الف) در مجموعه احکام شرعی جهت‌گیری واحدی را که نمایسگر اهتمام دین به هدفی خاص است، دریابیم؛
- ب) اگر در منابع شریعت، برای حکمی شرعی هدف یا دلیلی مشخص می‌شود، جهت‌گیری دین در عرصه‌های متغیر حیات اجتماعی را نشان می‌دهد؛
- ج) جهت‌گیری احکام حکومتی که توسط پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام در راستای تحقق اهداف اسلامی صادر شده است؛

د) اهداف معین‌شده در منابع شریعت برای ولی‌امر؛

ه) ارزش‌های اجتماعی مورد اهتمام اسلام؛ مانند برادری، مساوات و عدالت (قاسمی اصل، ۱۳۹۳، ص ۱۲).

در بین این پنج راه، راه‌های اول و سوم و پنجم اکتشافی‌اند و راه‌های دوم و چهارم به صورت مباشر نظریات مذهبی اسلام را نتیجه می‌دهند (صدر، ۱۳۸۲، ص ۴۳۳)؛ با این تفاوت که نظریه صریح در راه دوم، مربوط به احکام ثابت بوده و در راه چهارم، مربوط به احکام متغیر است.

برای کشف نظریه در اقتصاد مذهبی اسلامی دو مسیر مستقیم و معکوس وجود دارد:

الف) کشف مستقیم: محقق پس از دسترسی به مجموعه شواهد، با استفاده از قواعد فهم متن، به حدس اولیه‌ای درباره نظریه مذهبی اسلام می‌رسد. در کنار احکام شرعی، مفاهیم اسلامی وجود دارد؛ یعنی هر برداشت اسلامی که یک واقعیت خارجی، اجتماعی یا قانونی را تفسیر می‌کند (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۷۶). مفاهیم با پرتوافکنی خود، از انحراف در برداشت از احکام جلوگیری می‌کنند. بنابراین، مفاهیم منجر به رد یا پذیرش حدس‌های ناشی از تجمیع احکام شرعی می‌شوند (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۷۹-۳۷۸). راه‌های اول و سوم از سنخ کشف مستقیم‌اند؛ با این تفاوت که «جهت‌گیری تشریح»، از جهت‌گیری احکام ثابت به نظریه می‌رسد؛ اما «جهت‌گیری عناصر متحرک»، از جهت‌گیری احکام متغیر به نظریه می‌رسد.

ب) کشف معکوس: می‌توان با انتخاب مفهوم یا مفاهیم هم‌سنخ به یک نظریه مذهبی نزدیک شد و برای اینکه نظریه از حالت انتزاعی محض جدا شود، آن را با احکام مربوط محک زد تا نظریه تعین و محتوای خود را به دست آورد. راه پنجم، یعنی «ارزش‌های اجتماعی مورد اهتمام اسلام»، از سنخ کشف معکوس است (ر.ک: قاسمی اصل، ۱۳۹۶).

۴. واقعیات جزئی تجربی (علم)

وقتی مجموعه‌ای انسانی رفتارهای خود را براساس جهت‌گیری مذهبی خاصی انجام می‌دهد، واقعیاتی شکل می‌گیرد که ناشی از التزام آن جامعه به ارزش‌های خاصی است. این امور واقعی که اراده انسانی در تحقق آن دخالت دارد، مربوط به همان جامعه و همان مقطع زمانی است و از این رو، جزئی محسوب می‌شود. این واقعیات جزئی، ناشی از التزام به مجموعه‌ای از اعتبارات و هنجارهای اقتصادی است (صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۵۱). مقصود شهید صدر، در *اقتصادنا* از علم اقتصاد اسلامی، همین سنخ از گزاره‌های اقتصاد اسلامی است. شهید صدر به وجود ظرفیت علم تجربی اسلامی تصریح می‌کند؛ دانشی که ناظر به واقعیات مبتنی بر تحقق هنجارهای اسلامی است.

می‌توان برای استفاده شهید صدر از واقعیات تجربی، شواهدی از *اقتصادنا* ارائه داد:

۴-۱. سیر تاریخی - اجتماعی شکل‌گیری مبادله (و پول)

شهید صدر به مسئله مبادله و سیر تاریخی و اجتماعی شکل‌گیری آن می‌پردازد. ایشان تذکر می‌دهد که مبادله، برخلاف تولید و توزیع، یک ضرورت اولی اجتماعی نبود و پس از عصر خودکفایی (خانوادگی) و گسترش نیازها و تخصص‌ها، به آن نیاز پیدا شد. از دیگرسو، ایشان برای مبادله دو دوره پایاپای و نقدی را بررسی می‌کند که شیوه مبادله نقدی برای حل مشکلات مبادله پایاپای به وجود آمد. مشکل اقتصادی در مبادله نقدی از جایی آغاز شد که

واسطهٔ مبادله از فلسفه وجودی خود که واسطه‌گری بین تولیدکننده و مصرف‌کننده بود، فاصله گرفت و خود موضوعیت پیدا کرد. این یک واقعیت اقتصادی جزئی تجربی است.

مبادله بخشی از تولید است (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۷۷-۳۷۸). اگر واقعیت تولید، ایجاد امکان مصرف از اشیای مصرفی‌ای باشد که بالفعل غیرقابل مصرف‌اند، پس عمل مبادله نیز در حد واسطه‌گری برای ایجاد امکان مصرف، بخشی از تولید محسوب می‌شود. این یک تحلیل اقتصادی غیرتجربی است. بنابراین اسلام با فعالیت‌های واسطه‌گری در حدی که اقتضا و ضرورت تحقق امکان مصرف باشد، موافق است و با مازاد بر این سطح مخالف است. این یک تحلیل مذهبی است. همین تحلیل، دربارهٔ پول نیز وجود دارد (همان، ص ۳۵۰-۳۵۳).

۴-۲. مسائل علمی تجربی اقتصاد در تاریخ اسلام

ایشان به بررسی اقتصاد تجربی اسلامی در دوره‌های پیشین می‌پردازد که چند مثال از این موارد مطرح می‌شود: الف) شهید صدر برای دفع شبههٔ گرایش اسلام به سرمایه‌داری در پذیرش نامحدود مالکیت خصوصی، که موارد آن در صدر اسلام وجود دارد، به تحلیل این رفتار می‌پردازد. وی در رد این شبهه به توضیح نقش خاص ماشین و فناوری در بهره‌برداری می‌پردازد و معتقد است ملکیت‌های وسیعی که در صدر اسلام وجود داشته امروزه به سبب وجود ماشین و امکان بهره‌برداری‌های فوق‌العاده منتفی است (صدر، ۱۳۸۲، ص ۴۰۲-۴۰۵).

ب) شهید صدر در مقام پاسخ به این پرسش که «ماهیت غلام و کنیز (عبد و امه) در اسلام و فقه اسلامی چیست؟» و تشریح نسبت آن با برده‌داری، به توضیح جوانب این مسئله و تبیین ماهیت این واقعیت اقتصادی در تاریخ اسلام می‌پردازد (همان، ص ۲۹۸-۳۰۰).

ج) ایشان به مفهوم اسلامی «اقطاع» می‌پردازد و آن را از مضمون فتوایی این عنوان تفکیک می‌کند. در اقطاع اسلامی، مالکیت زمین به شخص منتقل نمی‌شود؛ بلکه صرفاً به اندازه‌ای که شخص توان احیا دارد، زمین در اختیار او قرار می‌گیرد و او موظف به احیا است و در صورت معطل نهادن زمین، اقطاع لغو می‌گردد و زمین از او پس گرفته می‌شود. بنابراین، اقطاع صرفاً یکی از شیوه‌های مقبول اسلام برای بارور کردن مواد خام است که امام مسلمین اگر تشخیص دهد که این راه بهترین راهکار است، از آن استفاده می‌کند (صدر، ۱۳۸۲، ص ۴۸۴).

د) تلقی رکبان، یعنی وقتی کاروانی به نزدیک شهر می‌رسید، قبل از رسیدن به شهر، برخی به سراغ آن می‌رفتند و کالاهایش را خریداری می‌کردند؛ سپس به داخل شهر می‌آمدند و آن را به مردم می‌فروختند. این کار از آنجاکه نوعی واسطه‌گری غیرضروری و انگلی بود، مورد نهی شریعت قرار گرفت (همان، ص ۶۵۲).

۴-۳. مسائل علمی تجربی اقتصاد در مکاتب رقیب

بخشی از مباحث شهید صدر در *اقتصادنا*، مسائل علمی تجربی در مکاتب اقتصادی رقیب است که ایشان از آن برای تبیین حقانیت دیدگاه هنجاری اسلام استفاده می‌کند:

الف) ایشان با استناد به واقعیات و تجربه اقتصادی در جوامع اشتراکی و سرمایه‌داری، به تبیین حقانیت دیدگاه اسلام درباره مالکیت مختلط و بطلان انحصار مالکیت اشتراکی یا خصوصی می‌پردازد (صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۸۱).
ب) سرمایه‌داری در پاسخ به این پرسش که «برای که تولید کنیم؟»، قیمت را ابزار تشخیص می‌داند. شهید صدر معتقد است که تقاضا در نظام سرمایه‌داری بیش از آنکه به مفهوم نیاز انسان باشد، دارای ماهیت پولی است (همان، ص ۶۵۳-۶۵۷).

ج) اقتصاد سرمایه‌داری نیروی کار را در کنار سرمایه و طبیعت، شریک در سود و درآمد می‌بیند. شهید صدر این نگاه را تنزل رتبه انسان و کار انسان می‌داند و معتقد است که جایگاه سرمایه و طبیعت باید در طول انسان و کار او تعریف شود.

۴-۴. نقش هنجارهای اسلامی در کشف واقعیات تجربی

از آنجاکه دستورات فقهی اسلامی در فرض تحقق نسبی جامعه اسلامی (جامعه‌ای که بخش قابل‌توجهی از آن براساس اسلام عمل می‌کند؛ یعنی دولت و ساختار اسلامی است و علقه دینی بخش قابل‌توجهی از افراد، ضامن اجرای قوانین است)، و به‌صورت احتمالی، اکثری و موقتی، نمایشگر واقعیات جامعه است. پس می‌توان با تخمین آماری از میزان التزام مردم به شریعت، به واقعیات موجود اقتصادی پی برد. بنابراین، هنجارهای اسلامی و شناخت آنها جزئی از تحلیل اقتصادی تجربی در جامعه اسلامی است.

۵. اعتبارات جزئی تجربی (سیاست)

مقصود از اعتبارات جزئی تجربی، نظریات سیاستی اقتصادی است. ماهیت اقتصاد سیاستی شبیه کار پزشکی است که برای مریضش نسخه خاصی تجویز می‌کند که قبل از تحقق مشکل و مواجهه با آن نمی‌توان درباره آن نظر داد. باین‌حال سیاست‌گذار اقتصادی نیز مانند پزشک می‌تواند اولاً به‌صورت فرضی به تبیین دامنه و ترکیبی از مشکلات بپردازد و برای آن وضعیت‌های فرضی، راهکار ارائه دهد؛ ثانیاً دامنه‌ای از مشکلات پرتکرار و دارای دامنه وسیع را تدوین کند و راه‌کارهای حل آن را ارائه دهد. ثالثاً اصول و ضوابطی تنظیم کند که براساس آن، ارائه سیاست، معقول و عالمانه محسوب گردد و راه بر شیادان و نابلدان بسته شود.

اقتصاد سیاستی از اقتصاد مذهبی متأثر است و این تأثیر ناشی از خاصیت راهبردی اقتصاد مذهبی و ویژگی راهکاری اقتصاد سیاستی است. شهید صدر مذهب اقتصادی را مجموعه نظریات اساسی برای حل مشکلات اقتصادی زندگی بشر تعریف می‌کند (صدر، ۱۳۸۲، ص ۳۶۵). تکیه بر اساسی بودن نظریات، حکایت از راهبردی بودن مباحث اقتصاد مذهبی دارد که به‌تبع آن، مقصود از «مشکلات اقتصادی» نیز مشکلات کلی و به‌عبارت دیگر، ریشه مشکلات است. در مقابل، اقتصاد سیاستی به‌دنبال تطبیق و مصداق‌یابی برای نظریات و راهبردهای اساسی در جهت حرکت به‌سمت اهداف اساسی است. در ادامه سه فراز از کلام شهید صدر در *اقتصادنا* درباره اقتصاد سیاستی مطرح می‌شود.

اگرچه صحبت از سیاست اقتصادی در *اقتصادنا* خلف و غلط است، ولی صحبت از اقتصاد سیاستی در اقتصادنا موجه می‌نماید. از یک‌سو، برخی مصادیق تاریخی سیاست‌های اقتصادی در *اقتصادنا* مورد بررسی قرار گرفته که در بحث پیشین به مناسبت از آنها یاد شد. بحث «اقطاع»، «عبد و امه»، «لغو حمی»، و «حکم ماء و کلاء» که در بخش سابق به تحقق تجربی برخی از آنها توجه شد، از جمله سیاست‌های اقتصادی در صدر اسلام است.

شهید صدر در *اقتصادنا*، تمایز بین نظریه مذهبی و علمی را صراحتاً تشریح می‌کند (صدر، ۱۳۸۲، ص ۴۴): اما درباره دیدگاه ایشان در مورد نسبت نظریه مذهبی و سیاستی ابهام وجود دارد. هر دو نظریه مذهبی و سیاستی درباره واقعیات مطلوب صحبت می‌کنند؛ برخلاف مبانی و نظریه علمی که درباره واقعیت موجود صحبت می‌کنند. نظریه مذهبی و سیاستی دو مرتبه از وجود یک حقیقت‌اند؛ نظریه مذهبی، مرتبه وجود ذهنی است و نظریه سیاستی مرتبه وجود خارجی برای حقیقی است که از نظر اسلام مطلوب و شایسته تحقق است و به عبارت دیگر، نظریه مذهبی کلی است و نظریه سیاستی فرد آن است. طبق تعبیر شهید صدر، مذهب اقتصادی دو حیثیت و جنبه (و نه دو جزء) دارد: جنبه اول، جنبه ثابت و غیرقابل تغییر و تبدیل است که توسط شریعت کامل شده؛ جنبه دوم جنبه متغیر و متحول است اسلام تأمین این جنبه را به ولی امر یا دولت اسلامی واگذار کرده است تا متناسب با اهداف کلی اقتصاد اسلامی و مقتضیات هر زمان، آن را تهیه کند (صدر، ۱۳۸۲، ص ۴۴۳).

بنابراین، مصادیق و موارد سیاست‌هایی که دولت اسلامی اتخاذ می‌کند، جزء اقتصاد مذهبی اسلامی نیستند... اینها خدماتی است که اسلام به‌عنوان یک مکتب اقتصادی، برای رشد تولید و افزایش حجم ثروت ارائه نموده است. جز اینها دولت را موظف کرده با مطالعه شرایط عینی و در حدود مقررات کلی، سیاست اقتصادی متناسب رشد را تنظیم کند. از اینجا پیوند مکتب اقتصادی با سیاست اقتصادی را درمی‌یابیم. سیاست اقتصادی، جزئی از مکتب اقتصادی نیست و تعیین آن هم وظیفه مکتب اقتصادی نیست... (اسپهبدی، ۱۳۵۷، ص ۲۸۷-۲۸۸).

برخی ارکان و مبانی سیاست‌گذاری در *اقتصادنا* ترسیم شده که در ادامه مطرح می‌شود:

۵-۱. ارتباط مذهب اقتصادی با سیاست مالی

شهید صدر ذیل بحث اقتصاد اسلامی به‌عنوان جزئی از کل، به ارائه مثال‌هایی از ارتباط اقتصاد اسلامی و سایر عناصر اسلامی پرداخته است. وی در مثال چهارم، ارتباط مذهب اقتصادی (اقتصاد هنجاری) و سیاست مالی، به‌عنوان بخشی از برنامه مذهب اقتصادی اسلام، را مطرح کرده است. به‌نظر ایشان، سیاست مالی همراه با سیاست کلی اقتصادی، به‌دنبال تحقق اهداف اقتصاد اسلامی است؛ زیرا سیاست مالی در اسلام صرفاً به‌دنبال تأمین مخارج دولت نیست، بلکه در کنار آن، هدف مشارکت در ایجاد توازن اجتماعی و تکافل عمومی را نیز دنبال می‌کند. وی در مثال پنجم، ارتباط بین اقتصاد اسلامی و نظام سیاسی اسلام را مطرح می‌کند؛ زیرا قدرت حاکم دارای توانمندی‌های اقتصادی و مالکیت‌های فراوانی است که مطابق با تشخیص (یا توان) خود در آن تصرف می‌کند که لازم است شرایط استفاده سالم از این ظرفیت‌ها، در دولت ایجاد شود (صدر، ۱۳۸۲، ص ۲۹۷).

۵-۲. نظریه مسئولیت دولت

شهید صدر با مطرح کردن نظریه مسئولیت دولت در اقتصاد اسلامی، چارچوب و ساختار کلی نظام سیاست‌گذاری را ترسیم کرده است؛ یعنی اولاً اصل امکان، ضرورت و تحقق تجویز را تثبیت نموده؛ ثانیاً مجری تجویز را مشخص کرده؛ ثالثاً با تکیه بر وظایف دولت، اهداف نهایی سیاست‌گذاری را تعیین نموده است. شهید صدر به دو وظیفه ایجاد ضمان اجتماعی و توازن اجتماعی برای دولت اسلامی می‌پردازد و در تبیین چگونگی دخالت دولت، نظریه «منطقه‌الفراغ» را مطرح می‌کند (همان، ص ۳۸۰).

ضمان اجتماعی از دو طریق تکافل عمومی و حق افراد در ثروت‌های طبیعی، حدود ضرورت و کفایت حیات اقتصادی مردم را تأمین می‌کند. وظیفه توازن اجتماعی در اسلام، ناشی از دو حقیقت وجودی و مذهبی است که اسلام پذیرفته است: حقیقت وجودی، تمایز افراد انسان در استعدادها و توانمندی‌هاست که ناشی از حوادث و روند تاریخی نیست؛ بلکه این در طرح خلقت بوده است [علم غیر تجربی]؛ حقیقت مذهبی نیز این است که کار، اساس مالکیت است [اقتصاد هنجاری]. توازن در اسلام، توازن در حد متوسط معیشت و نه درآمد است که دولت باید در حد امکانات خود به سمت تأمین آن حرکت نماید. اسلام برای تأمین این هدف، مالیات‌های ثابتی همچون خمس و زکات را در کنار سایر اموال حکومت اسلامی قرار داده است. طبیعت قوانین اسلامی نیز در همین راستا تأثیرگذار است (صدر، ۱۳۸۲، ص ۶۵۹-۶۹۲).

اسلام قوانین خود را برای برهه خاصی از زمان جعل نکرده است. از آنجا که بخشی از تحرک اقتصادی مربوط به رابطه انسان با طبیعت است که طبیعتاً متغیر می‌باشد و بخشی مربوط به رابطه انسان با انسان است که طبعاً ثابت می‌باشد [علم غیر تجربی]؛ لازمه دوام قوانین اسلامی، اولاً ابتدای قوانین ثابت متناسب با جنبه‌های ثابت زندگی انسان و ثانیاً تعیین راهکاری برای جنبه‌های متغیر حیات انسان است. در نوع اول، تشخیص وظیفه از قبل انجام شده است و دولت باید برای کیفیت تحقق آن تدبیر کند؛ اما در نوع دوم، تشخیص و اجرای وظیفه، هر دو با دولت اسلامی است. شهید صدر از قسم دوم به منطقه‌الفراغ تعبیر می‌کند که اشاره دارد به بخشی از تشریح‌های اسلامی که واجب یا حرام نیست و ولی فقیه می‌تواند برای تأمین اهداف اسلامی در آن موارد الزام‌هایی ایجاد کند.

۵-۳. سیاست اقتصادی در جهت رشد تولید

شهید صدر سیاست اقتصادی را خدمتی می‌شمارد که اسلام با جهت‌گیری خاص مذهبی خود برای رشد تولید و ازدیاد ثروت ارائه می‌دهد و البته دست دولت را باز می‌گذارد تا متناسب با شرایط عینی جامعه و امکانات موجود اقدام کند. این سیاست‌ها باید در کنار رشد تولید و ثروت، به زندگی آسان و گشایش معیشت نیز بینجامد. سیاست اقتصادی جزئی از مذهب نیست؛ زیرا سیاست اقتصادی ذاتاً متغیر است؛ بنابراین مذهب باید ترسیم جزئیات و تفصیل سیاست‌ها را به دولت اسلامی واگذار کند. مذهب باید به ترسیم اهداف کلی و چارچوب‌های عامی بپردازد که دولت اسلامی موظف است به آن مقید باشد و در ضمن آن اتخاذ سیاست کند (صدر، ۱۳۸۲، ص ۶۳۱-۶۳۲).

نتیجه‌گیری

«محتوای اقتصاد اسلامی در اقتصادنا چیست؟» این پرسشی بود که ما را به تدوین این مقاله ترغیب کرد. در مقام پاسخ به این پرسش، نیاز به یک ابزار احساس می‌شد که در تحلیل محتوای *اقتصادنا* به کمک ما بیاید. این تحقیق، با استفاده از تقسیم واقعیات اقتصادی به دو دسته واقعیات موجود و واقعیات مطلوب، واقعیات موجود را به دو دسته پیشین (غیرتجربی) و پسین (تجربی) و واقعیات مطلوب را به پیشین (هنجاری یا منشأ رفتار) و پسین (سیاستی یا ناظر به رفتار) به بررسی محتوای *اقتصادنا* پرداخته است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بار اصلی محتوای مباحث اقتصاد اسلامی در *اقتصادنا* بر دوش مباحث مذهبی اقتصاد است که در آن به هدف‌گذاری، جهت‌گیری و راهبردهای کلی اقتصادی پرداخته می‌شود. در کنار این، به سه دسته مباحث دیگر در کتاب *اقتصادنا* برمی‌خوریم که اگرچه حجم نسبی آن کمتر است، ولی یا مثل علم غیرتجربی در شکل‌گیری نظریات مذهبی، یا مثل علم تجربی و اقتصاد سیاستی در کاربردی شدن نظریات مذهبی نقش اساسی دارد. برای هر یک از این سه نوع نظریه اقتصادی، مثال‌هایی از *اقتصادنا* مطرح شد.

از آنجا که حجم عمده مباحث *اقتصادنا* را نظریات مذهبی شامل می‌شود، برخی ویژگی‌ها و انواع نظریه مذهبی واکاوی شد: نظریات اقتصاد مذهبی اسلامی شش ویژگی مشترک دارد: ۱. وابسته به نظام فکری مستقل و جامع اسلام است؛ ۲. حاوی دیدگاهی اقتصادی است؛ ۳. به صورت مستقیم، حاوی هنجارها و ارزش‌های شریعت است؛ ۴. ثبات دارد و مقطعی نیست؛ زیرا ناشی از ویژگی‌های ثابت حیات انسان است؛ ۵. در حوزه معین، کلیت و شمول دارد؛ ۶. زمینه‌ای و نهادساز است؛ یعنی رفتارهای انسان مشروط و مقید به این نظریات است؛ نه اینکه نظریه مقید به تحقق رفتار مردم باشد. سایر نظریات اقتصادی، در ویژگی یک و دو با نظریه مذهبی مشترک‌اند اما ویژگی سوم مختص نظریه مذهبی و سیاستی است و ویژگی‌های چهارم تا ششم مختص نظریات مبنایی و مذهبی‌اند.

نظریات در اقتصاد مذهبی اسلامی را می‌توان در سه صنف دسته‌بندی کرد: ۱. برخی از سنخ چارچوب‌هایند. چارچوب‌ها اموری‌اند که برای فعالیت انسان محیط، شکل و قالب ایجاد می‌کنند و دامنه مجاز حرکت را تعیین می‌نمایند؛ ۲. برخی از سنخ تعیین راهبردهای اقتصادی‌اند. مقصود از راهبرد در اینجا جهت‌گیری و ذهنیت کلی است که یک مذهب اقتصادی دنبال می‌کند و تصمیماتش را براساس آن اتخاذ نماید؛ ۳. برخی از نوع تعیین اهداف غیرقابل تغییر اقتصادی‌اند که اسلام همه تلاش‌هایش را در راستای تحقق آن به کار می‌گیرد.

نظریات اقتصاد مذهبی اسلامی از پنج راه به دست می‌آید: ۱. جهت‌گیری تشریح؛ ۲. هدف منصوص در حکم ثابت؛ ۳. ارزش‌های اجتماعی مورد تأکید اسلام؛ ۴. جهت‌گیری عناصر متحرک توسط پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام؛ ۵. اهداف معین شده در منابع شریعت برای ولی‌امر. هدف منصوص در حکم ثابت و اهداف معین شده در منابع شریعت برای ولی‌امر، منجر به نظریه صریح می‌شود. ارزش‌های اجتماعی مورد تأکید شریعت از سنخ نظریه اکتشافی‌اند که با کشف معکوس به دست می‌آیند. کشف جهت‌گیری تشریح و جهت‌گیری عناصر متحرک توسط پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام از سنخ کشف مستقیم است.

منابع

- اسپهبدی، عبدالعلی، ۱۳۵۷، *اقتصاد ما*، چ دوم، تهران، اسلامی.
- بلاگ، مارک، ۱۳۸۷، *روشن‌شناسی علم اقتصاد*، ترجمه علامرضا آزاد، تهران، نشر نی.
- حسین‌زاده، محمد، ۱۳۹۴، *منابع معرفت*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۳۸۲، *اقتصادنا*، چ دوم، قم، بوستان کتاب.
- _____، ۱۴۱۰ق، *المجموعه الكامله لمؤلفات السيد محمدباقر الصدر*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- _____، ۱۴۲۴ق، *الاسلام يقود الحیاة*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- قاسمی اصل، محمدجواد، ۱۳۹۳، *بررسی و تحلیل جایگاه استقرار در روشن شهید صدر در اقتصاد اسلامی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته اقتصاد، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.
- _____، ۱۳۹۶، «فرضیه در مذهب اقتصادی اسلام با تأکید بر دیدگاه شهید صدر در کتاب اقتصادنا»، *عیار پژوهش در علوم انسانی*، سال هشتم، ش ۱۵، ص ۹۱-۱۰۸.
- _____، ۱۳۹۸، «نظریه سیاستی در اقتصاد اسلامی»، *معرفت اقتصاد اسلامی*، سال دهم، ش ۲۰، ص ۱۶۱-۱۷۸.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۳، *آموزش فلسفه*، چ چهارم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

